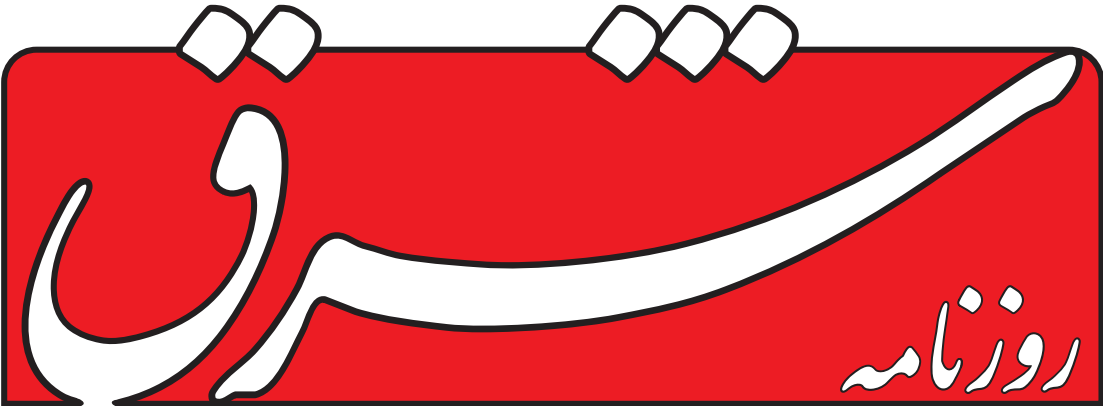


تلاش دولت و مجلس برای دخالت در نتیجه انتخابات اتاق ایران ادامه دارد

علیه بخش خصوصی؟

شرق: انتخابات اتاق ایران تمام شد و حواشی تمام نشد. حالا در شرایطی که دولت مدعی است در انتخابات اتاق دخالتی نداشته است، بلافاصله پس از پایان انتخابات پارلمان بخش خصوصی فشارها بر نتیجه انتخابات آغاز شد و علاوه بر دولت، مجلس هم وارد بحث انتخابات بخش خصوصی شده است

صفحه ۴



یکشنبه ۴ تیر ۱۴۰۲ • ۶ ذی‌الحجه ۱۴۴۴ • ۲۵ ژوئن ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۵۸۵ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: حزب اتحاد ملت ایران اسلامی در بیانیه‌ای هشدار داد؛ بحران در یک‌قدمی اقتصاد ایران، گفت‌وگو با خانواده‌های بیماران مبتلا به «آکندروپلازی»؛ داروی جهانی voxzogo از بیماران کوتاه‌قامت دریغ نشود

سرمقاله

انتخابات و گزینه تولید قدرت سیاسی



کیومرث اشتریان

انتخابات همواره کارکردهای خود را دارد؛ از جامعه تک‌حزبی چین تا جامعه متکثر فرانسه، البته اگر در آن حداقل‌های امانت رعایت شود. انتخابات یک کارگاه تولید قدرت و یک فروشگاه از تولید به مصرف کلای قدرت است. در سطوح گوناگونی می‌تواند به تولید قدرت سیاسی در درون و بیرون از حاکمیت سیاسی منجر شود؛ چه مخالف و چه موافق. «تولید قدرت اجتماعی» زمینه‌ای برای «تولید قدرت سیاسی» است. با رویکرد «تولید قدرت اجتماعی- سیاسی» چشم‌انداز متفاوتی از حضور در انتخابات پدیدار می‌شود. پایین‌ترین سطح حضور در انتخابات هنگامی است که کاندیدایی، به‌ویژه کاندیداهای حزبی، رد صلاحیت می‌شوند. رد صلاحیت موجب می‌شود که معترضان به وضع موجود نزد مردم شناسایی شوند. این شناسایی سبب می‌شود که قدرت تولید شود؛ قدرت معترضان. یک قدرت متشکل و البته تا حدودی نامرئی از سوی آنان و طرفداران شان پدید می‌آید. به همین شکل، آرای باطله و حتی مشارکت‌نکردن نشان‌دهنده سلیقه‌ها و نیروهای اجتماعی است؛ هرچند ماهیت این نیروها آن چنان که باید، شفاف نیست و قابلیت بهره‌برداری کمتری در منازعات سیاسی دارد. کشف سلیقه‌ها و نیروهای گوناگون سیاسی کارکرد مهم یک انتخابات است. این قدرت را می‌توان قدرت منفی مدنی نام نهاد. منفی از آن‌رو که مخالف وضع موجود هستند. سطحی بالاتر آن‌گاه است که به آنان اجازه حضور در انتخابات داده شود و شکست بخورند. قدرت تولیدشده در این سطح شفاف، قابل شمارش و قابل عرضه در مبارزات رسمی است. در نهایت، سطحی بالاتر آن‌گاه است که نامزدی، به‌ویژه نامزدهای حزبی، در انتخابات پیروز شوند. در چنین صورتی نه‌تنها نیروی اجتماعی تولید می‌شود؛ بلکه این نیرو می‌تواند در فرایندهای رسمی اعمال قدرت کند. نخستین گونه‌های تولید قدرت نامزدها از طریق ارتباط مستقیم با ساختارهای سنتی مانند خانواده، خویشان دور و نزدیک، قوم و قبیله، همشهریان و هم‌ولایتی‌ها پدید می‌آید. حداقل در ایران و در غیاب ارتباط مستقیم با توده، این یکی از ابزارهای اساسی برای تولید قدرت اجتماعی است. این یک ابزار مهم و منطبق با گزینه قدرت جویی است. نامزد انتخابات در پی کسب قدرت است و به نهاد سنتی- اجتماعی موجود متوسل می‌شود. رأی‌دهندگان نیز به نوبه خود برای کسب قدرت اجتماعی به نزدیک‌ترین کسی که می‌شناسند و نامزد شده است، دست می‌آورند. این دو یکدیگر را به صورتی طبیعی و در شرایط اجتماعی که به صورت تاریخی و خونی و قومی پدید آمده است، درمی‌یابند و به هم می‌پیوندند. بهره‌برداری نکردن از این شیارها و موقعیت‌های طبیعی یکی از ضعف‌های احزاب رسمی مانند حزب اتحاد، کارگزاران و امثال آن است. البته یک نکته اءوجاج وجود دارد و آن اینکه اگر احزاب به این موقعیت‌های سنتی دست بیاورند، اقبال به بدویت‌گریزی و ادبار از مدنیت سیاسی را به جان می‌خرند؛ یعنی حزب، قومی و قبیله‌ای می‌شود و همان غریز سنتی قدرت‌طلبی محض را احیا می‌کند. البته همه اینها مشروط به آن است که قدرت تولیدشده

پیرامون مطالبات شفافی صورت‌بندی شده باشد. در غیراین‌صورت قدرت تولیدشده مبهم است؛ چه رد صلاحیت شوند و چه پیروز شوند. ازاین‌رو متغیر مهم در اینجا شفافیت مطالبات و شعارها و اهداف است؛ بنابراین پرسش اساسی در انتخابات این است که مطالبات نامزدها، اعم از حزبی و غیرحزبی، شفاف و معطوف به موضوعات عینی باشد و از شعارهای کلی بپرهیزند. هرچه شعارها و اهداف نامزدها شفاف‌تر باشد، تولید قدرت اجتماعی- سیاسی بیشتر است. از منظر اجتماعی، اساساً هرگونه حضور اجتماعی نوعی تولید قدرت است. کنش‌های اجتماعی ما نوعی نمایش قدرت است. مثلا مراسم ختم در ایران نمادی از نمایش قدرت می‌شود؛ چه برای صاحب عزا و چه برای تسلیت‌جویان. بی‌دربی در بلندگوی سالن اعلام می‌شود که «مقامات لشکری و کنوری، مدیران بخش خصوصی و دولتی، اشخاص نام و نشان‌دار و... در مراسم حضور یافه‌اند». این به طور کامل یک مانور قدرت، شهرت و خوشنامی است. در حاشیه مراسم هم مناسبات و ارتباطات سیاسی- اجتماعی احیا می‌شود. اساساً افرادی صرفاً به این دلیل در این مراسم شرکت می‌کنند تا با هم‌مسلمان و هم‌قطران و هم‌پالکی‌های خود تجدید دیدار کنند؛ اما این حضور اجتماعی هنگام حضور در انتخابات قدرت‌طلبی روشن‌تری دارد. آن‌گاه که رأی می‌دهید، خود را به شمار دیگری از انتخابات‌شوندگان و انتخاب‌کنندگان پیوند می‌زنید؛ پیوندی از جنس قدرت و قدرت‌طلبی. البته ممکن است به آن شکل و شمایللی از ارزش‌های مادی یا معنوی ببخشید. اشکال دیگری از تولید قدرت نیز در جامعه وجود دارد. من و شما با مقاله‌ای که در روزنامه می‌نویسیم، در سخنرانی‌ای که می‌کنیم و در مراسمی که شرکت می‌کنیم، برای خود تولید قدرت می‌کنیم؛ چه بخواهیم از آن بهره‌برداری کنیم و چه نخواهیم. به هر حال از راه نفوذ اجتماعی افکارنا تولید قدرت می‌کنید. آن‌گاه که روزنامه‌ای منتشر می‌کنید نیز به همین گونه است. اگر روزنامه‌ای مانند «شرق» باشد، قدرت غیرتشیکلاتی تولید می‌کند. ماهیت برخی روزنامه‌ها به گونه‌ای است که خط سیاسی- تشکیلاتی ندارند؛ اگرچه گرایش سیاسی آنان کمی‌بیش روشن است، بیشتر به یک عرصه عمومی روشنفکری (intellectual forum) می‌ماند.

ادامه در صفحه ۸

نرخ رسمی شهریه مدارس غیردولتی اعلام شد؛ گزارشی از نرخ‌های عجیب و خارج از ضابطه درس خواندن در مدارس غیرانتفاعی

تحصیل در طبقه فوقانی

گزارش تیتربک را در صفحه ۱۰ بخوانید

روز سخت و نگران‌کننده کرملین شبه‌نظامیان واگنر علیه مسکو وارد عمل شدند

شورش آشپز

آخرین خبر در لحظات پایانی؛ گروه واگنر پذیرفت به شورش پایان دهد



صفحه ۵

یادداشت

به بهانه قتل‌های ناموسی اخیر در غرب کشور



احسان هوشمند

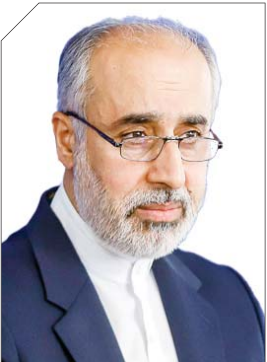
یکی از نشانهگرهای امنیت جوامع به‌ویژه امنیت روانی میزان و نسبت قتل و جنایت به‌ویژه جنایات‌های خانوادگی است. در میان جنایات خانوادگی نیز قتل‌های ناموسی، اعم از قتل خواهر یا برادر، قتل زن یا شوهر، قتل فرزند، قتل پدر یا مادر جایگاه ویژه‌ای دارد. البته زنان بیشتر از مردان قربانی قتل‌های ناموسی و قتل‌های خانوادگی هستند. قتل‌های خانوادگی و به‌ویژه قتل ناموسی در گستره تمام جهان حتی کشورهای اروپای غربی شایع است، اما ایران در جغرافیایی واقع شده است که بخش قابل‌توجهی از قتل‌های ناموسی جهان و خشونت‌های خانوادگی در آن روی می‌دهد. به عنوان مثال منطقه کوچک اقلیم کردستان عراق با حدود پنج میلیون نفر جمعیت نسبت به ایران با جمعیت ۸۰ میلیون نفر آمار بیشتری از وقوع قتل‌های ناموسی دارد. پاکستان و هندوستان نیز آمار قابل توجهی از قتل‌های ناموسی را به خود اختصاص داده‌اند. در کشورمان نیز وقوع قتل‌های ناموسی و همچنین خشونت‌های خانوادگی توزیع ناهمگونی دارد، هرچند بخش‌های غربی و جنوب غربی کشور بخش بیشتری از آمارهای موجود و در دسترس را به خود اختصاص می‌دهند. شواهد موجود نشان می‌دهد در کل کشور خشونت‌های خانوادگی در صدر مراجعات اورژانس اجتماعی است. حدود ۲۰ درصد از کل قتل‌های صورت‌گرفته در کشور قتل‌های ناموسی است و ۴۰

واکنش رسمی ایران به تحولات اخیر در روسیه

کنعانی: ایران از حاکمیت قانون در فدراسیون روسیه حمایت می‌کند

سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران گفت که تحولات داخلی در روسیه موضوع داخلی این کشور است. ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه، عصر دیروز در یک موضع‌گیری رسانه‌ای، رویداد اخیر در روسیه را موضوع داخلی این کشور دانست...

صفحه ۲



روایت «شرق» از تجربه‌های خودسوزی زنان در دالاهوی کرمانشاه

آتش خشم

اماواگرهای سفر به آناهیم

داستان تکراری ویزای آمریکا

پشت پرده اختلافات در صدا و سیما؛ جلیلی به سرنوشت سرافراز دچار می‌شود؟

دوربرگردان «جم»



گفت‌وگو با بهروز هادی‌زنوز

معرفت‌گریزی در اندیشه اقتصاددانان ایرانی

یادداشت

اقتصاد، تحریم و آفرینش دانش*



ریاض غیرتمند

در کشور ما و بسیاری از کشورهای دنیا چه خوشمان بیاید، چه بدمان بیاید، اولویت با اقتصاد و عدد و رقم است. مزیت افزایش تولید ناخالص داخلی برابر با کل ارزش ریالی و دلاری محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین تنها به افزایش مطلق تولید و افزایش توانایی نظام اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه اثر آن بسر بهبود کیفیت زندگی، افزایش سرانه ملی مصرف و رفاه جامعه چشمگیر است. یک نگاه گذرا به میزان تولید ناخالص داخلی طی حکمرانی دولت‌های مختلف چه در نظام جمهوری اسلامی و چه در نظام‌های قبلی نشان می‌دهد که سطح رفاه خانوار ایرانی با تولید ناخالص داخلی رابطه مستقیمی دارد. اگر فساد اداری و سوءمدیریت را بیماری مزمن تقریباً همه دولت‌ها بدانیم، باز این پایداری نسبی متغیر تولید ناخالص داخلی است که موجب رضایتمندی مردم خواهد شد. چالش‌های پیش‌روی اقتصاد ایران مانند تحریم‌های ظالمانه قدرت‌های بزرگ، اقتصاد وابسته به منابع، پایین‌بودن بهره‌وری، سوءمدیریت، ویژه‌خواری، ارتشا و... مانع از افزایش تولید ناخالص داخلی و به تبع آن کاهش سرانه مصرف و رفاه مردم شده است. تنها راه بررون‌رفت از چالش‌های فوق روی آوردن به اقتصاد بر پایه دانش و «خلق علم» است. اقتصادی که زیرساخت، فناوری، نوآوری و آموزش را به هم متصل می‌کند. هرچند دانش یکی از منابع اصلی توسعه اقتصادی به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته است ولی در کشورهایی مانند ایران با وجود منابع انسانی و نیروی متخصص فراوان، سهم اندکی از اقتصاد، دانش‌بنیان است. حتی در این اقتصاد اندک دانش‌پایه، سهم آفرینش دانش بسیار پایین است و بخش عمده آنچه به عنوان دانش‌بنیان از حمایت دولت و حاکمیت برخوردار است تقلیدی از دانش دیگران است.

چرا ما این‌گونه هستیم؟ ما دانش‌آموختگان به‌خوبی می‌توانیم مطالب علمی را هضم کنیم. در آزمون‌های داخلی و بین‌المللی نمرات قابل قبولی کسب کنیم. در کلاس‌های درس یاد بگیریم و در این کلاس‌ها آموزش بدهیم. در محافل اجتماعی و علمی سخنرانی کنیم. مقاله علمی و کتاب بنویسیم ولی با همه این مزیت‌ها ما دانش‌آموختگان نتوانستیم و نمی‌توانیم مشکلات جامعه خود را حل کنیم. در اداره بنگاه‌های اقتصادی با هدف افزایش تولید ناخالص داخلی موفق هستیم. برخی از ما دانش‌آموختگان سال‌ها رنج آموزشی خود را کنار نهاده و با انباشت سرمایه از راه‌های واسطه‌گری به موفقیت مالی شخصی دست می‌یابیم. اما در مقام عمل بین اهداف و کارکرد اجتماعی بیوستگی وجود ندارد. چرا نمی‌توانیم دانش را به عمل معطوف به هدف تبدیل کنیم؟ اشکال کار کجاست؟ چگونه است که ساختار هدفمند آموزش در دانشگاه‌ها تنها به مدرک ختم می‌شود. بسیاری دانش‌آموخته دکترا هستند.

ادامه در صفحه ۸